

اما نکته قابل توجه در مرور آثار کیمیایی گویای این حقیقت است که کیمیایی به هر حال هر که هست و هر چه هست نشان داده که به اتفاقات زمانه‌ی خودش و زمان نگارش داستان‌ش بی تفاوت نیست. او در آثارش چه سینمایی و چه ادبی همواره یک کنش گرنسبت به اتفاقات پیرامون بوده و هست حتی وقتی فیلم محاکمه در خیابان را در سال ۸۸ جلوی دوربین می برد و در جشنواره همان سال در بهمن ماه به نمایش در می آید تا لحظه‌ی پایانی شما افسوس می خورید ای کاش کیمیایی چند ماه دیرتر این فیلم را می ساخت تا واکنشی به اتفاقات پس از انتخابات ریاست جمهوری داشته باشد اما در نهایت می بینید که تیتراژ پایانی فیلم این کار را بر عهده دارد.

کیمیایی در آثارش به بسترهای تاریخی مشخص و معین روی می آورد مانند آنچه در خائن کشی می بینیم: روایت داستان ملی شدن صنعت نفت و بموازات داستان یک سارق حرفه‌ای و باهوش به نام مهدی بلیغ که به آرسن لوپن ایران مشهور

